

یادداشت سردیر

در اکثر کشورهایی که برنامه خصوصی سازی واحدهای دولتی پیاده شده است، یکی از سؤالات مهم این بوده که شرایط فروش را چطور تعیین کنیم تا به اهداف خصوصی سازی دست بیابیم.

اهداف خصوصی سازی به طور خلاصه به شرح زیر هستند:

۱- افزایش کارآیی در واحد خصوصی شده

۲- گسترش مالکیت واحدهای خصوصی شده

۳- کسب درآمد برای دولت.

از بین اهداف سه گانه، هدف اول مهم تر از بقیه می باشد؛ زیرا اگر سطح کارآیی در واحدها افزایش یابد، میزان تولید کالا و خدمات در جامعه بیشتر و بهتر خواهد شد و از این رهگذر اقتصاد رشد کرده و سطح رفاه مردم بهبود خواهد یافت.

گسترش مالکیت واحدها نیز هدف مهمی است زیرا باعث توزیع عادلانه تر ثروت می گردد و ضمناً حرکتی در جهت عدالت اجتماعی است. همچنین این هدف موجب توسعه بازار سرمایه و رونق بورس اوراق بهادار می گردد. گسترش فرهنگ سهامداری و توسعه بازار سرمایه سبب می شود که شرکتها راحتتر منابع مالی مورد نیاز خود را به دست آورند. هدف کسب درآمد برای دولت با هدف گسترش مالکیت ناسازگار است؛ زیرا برای گسترش مالکیت باید سهام شرکتها را به عموم مردم که معمولاً دارای پس انداز ناچیزی هستند فروخت و طبیعی است که عموم مردم، کارکنان شرکتها و مدیران قادر نیستند که بهای سهام خریداری شده را به

صورت نقد پرداخت کنند.

یکی از شیوه‌های مطلوب خصوصی‌سازی که می‌تواند دولت را در رسیدن به هر سه هدف کمک نماید، تأمین مالی خصوصی‌سازی از طریق اعطای وام است این شیوه در کشورهای دیگر نیز به کار رفته و منجر به بهبود کارآیی شرکتها و گسترش مالکیت آنها شده است. شیوه پیشنهادی دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

- ۱- ابتدا ارزش ذاتی و واقعی سهام شرکتی که قرار است خصوصی‌سازی شود با توجه به ارزش داراییهایش و میزان بازدهی شرکتها تعیین می‌شود.
- ۲- بر اساس مصوبه قانونی بانکها موظف شوند که معادل ۹۰ درصد ارزش سهام به اینگونه شرکتها وام دهند و سهام شرکت را وثیقه گیرند.
- ۳- این شرکتها موظف گردند وام دریافتی را به صندوق دولت یا به حساب سازمان دولتی که سهامدار این شرکت است واریز نمایند.
- ۴- کل سهام شرکت با دریافت ۱۰ درصد ارزش سهام (ارزش قبل از اخذ وام) به صورت نقد به خریداران سهام فروخته خواهد شد.
- ۵- برای تشویق مدیران و کارکنان این واحدها ۱۵ درصد سهام این شرکتها به اعضای هیأت مدیره و مدیران و متخصصین کلیدی شرکت و ۳۵ درصد مابقی به کارکنان واحد و مابقی به عموم فروخته شود.
- ۶- وام پرداختی با سررسید ۱۰ ساله و نرخ سود بانکی متداول باشد و در ۴۰ قسط سه ماهه مستهلک گردد.
- ۷- در پایان هر سال معادل کاهش در مانده وام، برگهای سهام وثیقه به خریداران سهام تحویل می‌گردد.

حسن این شیوه تأمین مالی این است که مدیران و کارکنان شرکت مالک ۵۰ درصد سهام شرکت می‌گردند؛ در حالی که فقط ۱۰ درصد ارزش این سهام را پرداخت نموده‌اند. از طرف دیگر الزام به پرداخت اقساط وام باعث می‌گردد که مدیران و کارکنان با جدیت بیشتری کار کنند تا بتوانند با افزایش تولید و سود، اقساط وام را پرداخت کنند. با توجه به اینکه با پرداخت تدریجی اقساط وام سهام وثیقه نیز آزاد می‌گردد کارکنان احساس می‌کنند که به

تدریج بر ثروت‌شان افزوده می‌شود.

حُسن دیگر روش پیشنهادی این است که دولت عملاً ۱۰۰ درصد از ارزش واحدهای فروخته شده را نقداً دریافت می‌کند و اداره امور این شرکتها را به بخش خصوصی واگذار می‌نماید. از طرف دیگر اعطای وامهای بانکی جهت خرید سهام منجر به شرایطی توری نمی‌خواهد شد زیرا که این وامها به اضافه ۱۰ درصد مابقی ارزش کلاً به صندوق دولت واریز می‌گردد.

برای حصول اطمینان از اداره صحیح این واحدها پیشنهاد می‌شود که ۲۰ تا ۳۰ درصد سهام به صنعتگران لایق و صاحبان کارخانجات مشابه فروخته شود تا آنها نیز در مدیریت شرکت سهیم شوند.

سردبیر

دکتر علی جهانخانی